

هیچ عمل نکرده است و حقوقی راهم که باید در این مدت بدولت بپردازد تأدیه نکرده و با اینکه مدت کنترات اداره لنج منقضی شده جهت اینکه این راه تا بحال در تصرف اداره لنج است و پلها را نمیسازد و باج راهم می گیرد و دولت این راه را تصرف نمیکند چیست

**وزیر فواید عامه** - جواب همان بود که عرض شد دولت چه راجع به پلها وجه راجع بمطالب دیگر مشغول اقدامات است

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله سؤالی از آقای وزیر مالیه راجع بوضع نان داشتند مطمئنشان کرده اید؟

**حاج شیخ اسدالله** - بلی سابقه داده ام **رئیس** - بفرمائید **حاج شیخ اسدالله** - راجع بامر نان باینکه اداره ارزاق چندی قبل اعلامی منتشر کرد که اداره ارزاق جنس بقدر

کفاف تهران دارد بنده هم مطابق تحقیقاتی که کرده ام و اطلاعاتی که دارم متجاوز از سی هزار خروار جنس در انبار خود شهر موجود است و بیست هزار خروار متجاوز هم در خارج و اطراف تهران موجود است و شاید يك جزئی هم که کم بوده است دولت پیش بینی کرد مشغول خریداری از عراق و جاهای دیگر است باین ترتیب عمل جنس مرتب شده است معذالک این چندروزه عمل نان تهران خیلی سخت شده باندازه که يك نفر که می رود برای خرید يك يادو قرصه نان باید از تمام زندگانی خود دست بکشد و صبح که می رود ظهر باید برگردد و ظهر که می رود شام باید برگردد و آنهم با دست خالی آنچه بنده شنیده ام بعلت کمی نان و کثرت جمعیت این است که اداره ارزاق خبازها جنس کم میدهد باینکه اعلان کردند که جنس بقدر کفایت موجود است جهت اینکه بخیابان جنس کم میدهند چیست و در این موقع سال که باید نان از همه جهت فراوان باشد چرا امر نان را از برای فقرا سخت کرده اند؟

**وزیر مالیه** - در جلسه آینده جواب عرض خواهم کرد.

**رئیس** - جلسه آینده روز يك شنبه بیست و دوم صفر دستور آن شور در تعیین مواد پروگرام هیئت محترم دولت و شور در لایحه کمیسیونهای نظارت مغالنی نیست؟ (اظهاری نشد)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۳۳**  
**صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و یکم صفر ۱۳۴۰ مطابق سی ام میزان ۱۳۰۰**

مجلس بیست دقیقه قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و هفتم میزان را آقای تدین قرائت نمودند)

**رئیس** - آقای مستشار السلطنه (اجازه) **مستشار السلطنه** - دو فقره اصلاح در بیان بنده هست یکی اینکه مرقوم فرموده اند تحصیلات مدارس

قدیمه را تکذیب کرده ام این بیان بنده نبود بلکه در موضوع بیانات آقای آقا سید یعقوب بوده بنده و همچنین آقایان نمایندگان هم تصدیق کردند که هیچوقت با تحصیل فلسفه و حکمت مخالفت نکرده و نخواهم کرد. اصلاح ثانی اینکه بنده استدها کردم پروگرام وزارت معارف را در مدرسی که در تحت ریاست اجنبی ها و اثر شده بفرمائید آن پروگرام را اطاعت کنند.

**رئیس** - بر خلاف واقع که چیزی نوشته نشده است.

**مستشار السلطنه** - آنرا که بنده عرض کرده بودم هیچ اشاره نشده

**رئیس** - بسیار خوب اضافه میشود آقای آقا سید فاضل (اجازه)

**آقا سید فاضل** - سؤال بنده از آقای وزیر فواید عامه تنها در خصوص پلها نبود بلکه در عدم مراقبت اداره لنج در کلیه راهها بود که ابدأ تعمیر نمی کنند و موافق مواد کنترات خود عمل نمی کنند یکی هم مسئله باج و خراج راه بود که علاوه بر آن اندازه که در کنترات معین شده از مردم بگیرند

**رئیس** - اضافه می شود

**آقا سید یعقوب** - در آن مسئله اولی که بنده راجع بتقلیل مخارج عرض کردم گفتم مطلقاً تقلیل مخارج عمومی و محلی نشود عرض ثانی بنده این بود که در پروگرام مدارس جدید علوم دیانتی راهم قرار دهیم خوب است آنهم اضافه شود

**رئیس** - اگر بخواهید هر چه را می فرمائید در صورت مجلس نوشته شود صورت مختصر نخواهد بود صورت مشروح می شود دیگر اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد)

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات در پروگرام هیئت دولت است آقای فهیم الملک (اجازه نطق)

**فهیم الملک** - ماده پنجم دو موضوع را حاوی است یکی مسئله معارف است یکی مسئله حفظ الصحه بنده خواستم مسئله را که مکرر اینجا اشاره شده یادآور شوم که همیشه مملکت را بشهرها و شهرها را هم فقط بعوزه تهران نباید انحصار داد يك قدری از حوزة شهرها باید خارج شد مخصوصاً در مسئله معارف و حفظ الصحه البته تمام آرزو داریم که در این مملکت در تمام ایالات مدارس عالی حقوق و نظامی تشکیل شود و مدارس ابتدائی و تحصیلات اجباری هم در تمام قرا و قصباب و بلوکات با اعداد نامیدان این مسئله حکم آرزو را دارد و البته يك سرمایه بزرگی لازم است که دولت این قبیل مدارس را تهیه کند ولیکن تا باین آرزو برسیم نباید اهالی خارج از شهر را از نظر محو کرد تأسیس مدارس ابتدائی که فقط باندازه خواندن و نوشتن سواد پیدا کنند و مقدمات علوم دینی و شرعی را بیاموزند در دهات این اندازهها اشکال ندارد و محتاج بمیزونیمکت و صندلی هم نیست دولت میتواند با کمال سهولت يك ملعینی که بتوانند دروس ابتدائی را تدریس کنند در دهات بفرستند اول از دهات خالصه شروع کنند بعد بدهات اربابی

که در تمام بلوکات مدارس ابتدائی عجاله تأسیس شود تا بقدر لزوم در مرکز حلالا مدارس متوسطه داریم منتهی باید آنها را تکمیل کنیم يك اشکال بزرگی که ما داریم راجع به مسئله انتخابات است که انتخابات مستقیم و مخفی است و رأی دهنده ابتدا سواد ندارد که لا اقل اسم کسی که می خواهد انتخاب کند بتواند بنویسد این کار مدت زیادی لازم ندارد اگر از ابتدای مشروطیت تا بحال در ترویج معارف بهمان اندازه که نوشته بودند اقدام شده بود امروز برای انتخابات در خارج مخصوصاً از طبقات پست خیلی اشخاص باسواد داشتیم از وزارت معارف استدها می کنم که باین مسئله خیلی توجه بفرمائید زیرا بقرینه دارم متضمن مخارج فوق العاده نخواهد شد تأسیس مدارس ابتدائی چندین مخارجی ندارد و ممکن است با مخارجی که برای یکباب مدرسه عالی از حیث اثاثیه و معلم و غیره پیش بینی می شود دو یا بیست باب مدارس ابتدائی مقدماتی در بلوکات تشکیل داد که هر يك دارای پنجاه یا شصت شاگرد باشد و یکی دو سال هم دوره تحصیلات آنها طول می کشد تا بتوانند دروس مقدماتی را تحصیل کنند و این هم نباید منحصر بطهران باشد بلکه راجع بتمام شهرها و بلوکات در دهات است اما راجع بقسمت دوم این ماده که راجع بحفظ الصحه است البته ما امیدواریم که در شهرها همه جا مریضخانهها تأسیس شود ولی باز همان اهالی بلوکات و دهات را نباید بکلی از نظر محو کرد مرض نوبه که حقیقتاً آندمیک و محلی است و در طهران با يك مواظبت جزئی معالجه می شود در اطراف طهران در موقع یائیزها ای را در مملکت می اندازد که مثل برک خزان هر روز می افتند نه دوائی دارند نه چیزی شاید با يك قدری گنه گنه معالجه شوند ولی نیست چنانکه می بینید در شهر نوبه مرض مهلکی نیست ولی در خارج پس از چند روز مبتلا شدن فوری می میرند خوب است وزارت معارف در این قسمت از سال یعنی یائیز توجهی بفرماید و چند نفر طبیب با قدری دواهایی که لازم است در اطراف بفرستد و این بیچارهها را از خطر مردن حفظ کند مخصوصاً حالا موقع بدرکاری است و بواسطه نداشتن رعیت نمی توانند بدرکاری کنند و رعیت بیچاره گرفتار تب و نوبه است و پس از چند روز فوت می کنند این هم مثل مطلبی است که اول در خصوص مدارس عرض کردم برای فرستادن طبیب بقراه چندین دچار اشکال نخواهد شد و چون ماده دیگری راجع بمعارف در پروگرام نیست دو موضوع دیگر بنده دارم که باید عرض کنم یکی راجع بمطبوعات است که مکرر گفته شده باید قانون مطبوعات اصلاح شود و برای اینکه از مابین ارباب جراند و سایرین رفع اشکال بشود خوب است هیئت محترم دولت توجهی باین امر بفرمایند و بهر طوری که می توانند قانون مطبوعات را اصلاح کرده بمجلس بیاورند و يك زحمت زیادی را از میان مردم رفع کنند زیرا ارباب جراند بعنوان اینکه بد می نویسند یا از مردم تنقید می کنند پیوسته مردم شکایت دارند و اگر قانونی در کار باشد البته هیچکدام دچار اشکال نمی شوند مسئله دیگری که نظر آقای وزیر معارف را به آن متوجه می کنم کلاسهای طبی مدرسه است چون تا بحال يك معلمی از برای درس طب بایران جلب نشده که

یک ریاضخانه هم در تحت ریاست او باشد و ریاضخانه‌ها غالباً در تحت ریاست اطباء دیگر تأسیس شده این اطبا غالباً از ممالک مختلفه بوده‌اند که خودشان را عضو مجزا و مستقل می‌دانستند و شاگردان طب که بایست تحصیلات خودشان را بواسطه عملیات در ریاضخانه‌ها تکمیل کنند هیچوقت موفق نمی‌شدند و رؤسای مرضی-خانه‌ها غالباً استنکاف داشتند شاگردانی را که در نقاط دیگر تحصیل کرده‌اند بر ریاضخانه راه دهند مدرسه و ریاضخانه هر یک مؤسسه ایست که دولت برای منافع عامه تأسیس می‌کند خوب است آقای وزیر معارف این رویه را که تا حال معمول بوده از میان بردارد و معلمین مخصوص وارد کنند که غیر از ساعاتی که درس می‌دهند مطب خود را در ریاضخانه قرار داده و شاگردان را در آنجا بخوانند و درس عملی بدهند البته معلوم است در همه جا درس طب معمولاً در ریاضخانه داده می‌شود نه در مدرسه ما در اینجا ریاضخانه داریم ولی متأسفانه نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم باید اطبایی که می‌آورند در کنترات های آنها قید کنند که فقط برای تدریس نیامده‌اند باید طبیب تهیه کنند بنا بر این باید کلینیک و مطب خودشان را در ریاضخانه قرار دهند و شاگردان خود را در آنجا درس دهند امیدواریم آقای وزیر معارف راجع به مدارس خارج یعنی قراء و دهات و راجع به حفظ الصحه در بلوکات توجه خاصی فرمایند که شاید انشاءالله آنچه تا بحال معمول بوده از میان برداشته شود.

رئیس - آقای شیخ العراقین زاده (اجازه نطق)

**شیخ العراقین** - بنده هم نسبت باین ماده اظهاراتی داشتم بعد از این اظهارات آقای فهیم‌الملک دیگر مقتضی نیست بنده عرض بکنم اگر عرضی داشته باشم توسط پیشنهاد بکمیسیونهای مربوطه تقدیم خواهم نمود

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - هیچ احساس می‌شود که طول مذاکرات در پروگرام حسن اثری نداشته باشد ولی معض استحضار هیئت محترم دولت و سایر آقایان عرض می‌کنم که تخمیناً دوازده پروگرام در این مجلس آمده است که بنده بوده‌ام پروگرامی که سه روز گذشته و رأی داده شده دیده‌ام تا زیاد تر بمقیده من مذاکرات زیاد در زمینه آن مقصدی است که ما داریم و انشاءالله امیدواریم در مدت این دو سال که هیئت دولت مشغول کار است و لوازمی که باید بعد بمجلس پیشنهاد کند این مذاکرات برای آنها زمینه باشد و برای این است که دولت نظریات و کلا را راجع به ماده ملتفت باشد بنده این مذاکرات را نافع می‌دانم در خصوص معارف آقایان مذاکرات وافق کردن یک مطلب باقی ماند که آقایان در آن مذاکره فرمودند و آن این است که به عقیده بنده معارف یک رکن اعظمش دائره دارالترجمه است ۴ سال است می‌شنوم از ایران میروند با اروپا درس می‌خوانند و اسم خودشان را در کتبی گذارند کتر یعنی مجتهد یعنی این شخص رفته و این علوم را تحصیل کرده و یک قوه استنباطیه در این علم پیدا کرده با این وصف خیلی متأسفانه اشخاصی که رفته‌اند این علوم را تحصیل کرده‌اند چرا بایران که آمده‌اند بزبان ایرانی ترجمه نکردند آقای امیراعلم دکترند شک هم ندارد چون خیلی اطباء دیگر هم دیده‌ام لیکن بمقیده من ایشان ندیده‌ام و کتر یعنی مجتهد یعنی کسیکه خودش تصنیف کند چرا کتبی را که در آنجا خوانده تصنیف و منتشر نمی‌کند که دیگر اولاد ایرانی معنی نباشد بزبان غیر درس بخواند اگر این کتب بزبان اهل مملکت باشد صد هزار نفر می‌خوانند و اگر بزبان دیگری باشد هزار نفر یعنی هر کس باید چهار سال پنجسال عمر خود را صرف تحصیل زبان خارج کند آنوقت شروع به تحصیل این علوم بنماید لهذا اگر آقای وزیر معارف میل دارند آن صنایع و علوم که احتیاج مملکت است و در این مملکت نیست و می‌خواهند این مملکت را بواسطه آنها رو با آبادی و تمدن ببرند باید سعی کنند کتبی که محل احتیاج است جمع کنند اگر هم لازم شده متخصص هم بخوانند علمای آن علم را هم که در مملکت هستند حاضر کنند و آن کتب را ترجمه کنند می‌شنوم جمعی علم حقوق می‌خوانند من تا بحال نفهمیده‌ام علم حقوق یعنی چه تمام هم اسمشان دکتر است آخر این علم حقوق رمل است استرلاب است چه چیز است که نمی‌شود ترجمه کرد و در این مملکت منتشر نمود کم‌کم هم بخوانند دیگری هم بخوانند (مثل علی خان که رفت حساب را تحصیل کرد و آمد ترجمه کرد) عرض این است که علوم که محل احتیاج است باید آنها را ترجمه کنند که این علوم منتشر شود یا واقعاً اگر دکتراهای مملکت ما نمی‌دانند متخصص بخوانند که کسک کند و ترجمه کنند به حال یا باید اعتراف کنند که تقصیر کرده‌اند یا فرمایند نمی‌دانیم مثل من اگر ندانند عیبی نیست والا اگر می‌دانند باید این کار را کرد و در وزارت معارف معالی بعنوان دارالترجمه تأسیس نمود که این علوم را ترجمه کرده و منتشر نمایند این است عقیده بنده

مسئله دیگر متعلق به مدارس عتیقه است که آقایان خیلی مذاکرات کرده‌اند یک وقتی در نجف آب فقط شد بنده مسافرت کردم بروم اراضی بابل را تماشا کنم ده پانزده روز رفتم عتیقه جات آنجا را استخراج می‌کردند فکرمی کردم چرا ممالک اسلامی رو بضعف رفته و ممالک غیر اسلامی رو بترقی چندین روز فکر می‌کردم و بالاخره چنین فهمیدم که ممالک اسلامی سیاست و دیانت را از هم جدا کرده‌اند ولی ممالک دیگر سیاستشان هین دیانتشان با جزو آن است ممکن هم هست اشتباه کرده باشند لهذا در ممالک اسلامی اشخاصی که متدین هستند دوری می‌کنند از اشخاصی که داخل در سیاست هستند آنها که دوری کردند ناچار همه نوع اشخاص رشته امور سیاست را در دست گرفته لهذا رو بعقب میروند با خود گفتیم باید فکری کرد آمدیم با دو نفر از اساتید بزرگ که فعلاً هر دو برحمت ایزدی پیوسته‌اند این مسئله را مذاکره کردم و بالاخره با مشروطه منطبق شد که بواسطه آن این اختلاف از میان برداشته شود

است آمده‌ام به تهران فلسفه را ترك کردم ولی حالیه دو مرتبه به مباحثه آن شروع کرده‌ام (واقعیاً بعضی گمان می‌کنید که در مدارس قدیمه علوم جدید را نباید خواند خیر این‌ها همان طبیعات و ریاضیاتی است که سابق هم ما می‌خواندیم و درس میدادیم ولی حالا طبیعات اروپائی ها کاملتر است و برای آنها اسامی مختلفه گذارده‌اند

یکی را شیمی و یکی را فیزیک می‌گویند ولی در اصل همان طبیعات است در سابق طب میخواندیم تشریح قانون را می‌خواندیم منتها او علمی است تشریح امروزه حساس است همینطور کتابهای دیگر می‌خواندیم پس باید معارف را بقسمی توسعه داد که تمام افراد مملکت استفاده نمایند و باید تمام افراد مملکت در تحصیل معارف یک رویه اتخاذ کنند تا انشاءالله نتیجه آن بزودی حاصل شود نه اینکه معارف را مجزی کنند که مثلاً پسرمن که همامه دارد حساب نخواند فقه بخواند خیر همه‌امکن تمام علوم را باید همه بخوانند این استفاده هائی را که شما از این ده پانزده مدرسه که در تهران دایر کرده‌اید (و هنوز حقوقش را نتوانسته‌اید برسانید) می‌خواهید بنمائید همین استفاده را از آن مدارس هم میتوانید بکنید دیگر مرضی ندارم

**وزیر معارف** - بنده از آقایان نمایندگان محترم خیلی متشکرم که در این باره راجع به معارف بمذاکرات جلسه گذشته اکتفا نکرده و تعقیب فرمودند این تصمیم آقایان معلوم میدارد آنطوریکه دولت تمام افراد مملکت استنباط کرده‌اند معارف یک اهمیت تام و تمامی دارد لهذا این تصمیم آقایان یعنی تجدید مذاکرات یک امیدواریهائی وزارت معارف و یک بشارتهائی بمعوم می‌دهد البته به‌تأمامعارفان تکمیل نشود آن مقام ارجحندی که طالب او هستم باو نخواهم رسید بدیهی است طلوع علم در اعماق مملکت فقر را برطرف می‌کند اگر چه آقایان فرمودند بنده هم تصدیق دارم ولی امیدوارم در موضوع پیشنهاداتی که راجع به معارف خواهد شد آن وقت از فقر صحبت نفرمایند البته معلم بجز تعلیم و مدیر بجز حسن اداره و وزارت معارف بجز اصلاح مقصد دیگری نباید داشته باشد راجع به فرمایش آقای فهیم‌الملک بنده کمال موافقت را دارم و تصدیق می‌کنم باید در قراء و دهات مدارس تأسیس کرد و اولاد زارعین را که صاحبان این آب و خاک هستند از این جهالت بیرون آورد تا برای این مملکت چه در انتخابات و چه برای آینده مملکت نافع باشند و بدانند در انتخابات چه کسی را انتخاب می‌کنند و می‌توانند اسمش را بنویسند و اگر کسی می‌نویسد بتوانند بخوانند همینطور راجع به فلاح و غیره هم باید با آنها یک چیزهائی آموخت که بهتر بتوانند کار کنند راجع به حفظ الصحه البته باید راه‌های اقوی البته باشند تا بتوانند کار الیه اگر بتوانند کار کنند قوی البته نباشند نمیتوانند احتیاجات مملکت را فراهم کنند باید افراد ملت تماماً قوی البته باشند بنده همان آرزوها را در باب معارف دارم در باب حفظ الصحه دارم یعنی در باب پیشنهاداتی

که راجع به حفظ الصحه خواهد شد آرزو مندم آقایان از فقر صحبت نفرمایند و همانطور که نمایندگان ملت با ترونی رفتار می‌کنند عمل نمایند که هم معارف هم حفظ الصحه را بتوانیم در اطراف تکمیل کنیم راجع بامراض مختلفه هم اقداماتی شده از جمله راجع به مرض مهلك آبله که در مجلس دوم يك قانونی گذشت و در آیه همان قانون از يك تلفات خیلی مهمی توانستیم جلوگیری کنیم قبل از وضع این قانون در سال تقریباً دوست هزار نفر از روی يك استانتیستیکي که کامل نبود تلفات آبله یعنی از آنها ۵۰ هزار نفر تلف میشدند و (۱۵۰) هزار نفر دیگر هم که میانندند یا مسلول و یا میوب میشدند خصوصاً در صورت چشم راجع به مدرسه طبق پروگرامی که امسال نوشته شده شاگردان علاوه بر این که تحصیلات طب را نظری خواهند کرد در ریاضخانه هم راجع به مدرسه طب است عملی هم تحصیل خواهند کرد و نیز تصدیق می‌کنم طب را نمی‌توان از روی کتاب تحصیل کرد باید شاگرد عملاً به‌بینند والا اگر دهستان هم بخوانند وقتی که نزد مرضی آمد نمیتواند يك مرض نویه را تشخیص دهد و انشاءالله تحصیلات عملی شاگردان طب با تحصیلات نظری توأم خواهد شد راجع به فرمایشات آقای مدرس تصدیق می‌کنم دارالترجمه لازم است و اینکه فرمودند دکترهائی که تحصیل کرده‌اند چرا نباید ترجمه کنند البته تصدیق می‌فرمایند که ترجمه يك کار خیلی مشکلی است مثلاً اگر من بخوام چیزی را ترجمه کنم باید زندگانی بنده تأمین شده باشد تا حواسم جمع و بتوانم ترجمه کنم و آنوقت مطمئن باشم کتابی را که ترجمه کرده‌ام بطبع خواهد رسید و اگر کتاب من از کتب سابق بهتر شد از طرف دولت هم يك قدر شناسی نسبت بهن خواهد شد اگر دکترها چه در علم طب چه در علم حقوق نتوانسته‌اند بقدری که لازم است این خدمت را انجام دهند ناچار بوده‌اند معاش خود را تأمین نمایند و چنانکه عرض کردم ترجمه کتب علمی برای شخص يك فکر خیلی آسوده می‌خواهد که بتواند ابتکار بکند در این موقع اجازه می‌خواهم چند کلمه عرض کنم چون آقای مدرس در جلسه قبلاً فرمودند اطباء در ادارات دولتی چه میکنند چون خود بنده طبیب هستم از روی تجربه عرض می‌کنم اطبایی که در دوایر دولتی مستخدمند برای این است که آقایان اطباء بعد از تحصیلات زیاد اغلب در محکمه‌هائی که دارند نمی‌توانند زندگانی خود را تأمین کنند خصوصاً در مملکت ما و اگر از روی انصاف ملاحظه فرمایید طبقه اطباء طبقه هستند که بیشتر خدمت بمملکت می‌کنند زیرا يك تاجر یا يك بقال یا يك عطاری مطاع خودش را هیچوقت مفت نمی‌دهد من اگر نزد تاجری بروم و قالیچه کوچکی از او بخوام بن من مفت نخواهد داد بعضی ها می‌گویند طبیب سرمایه‌اش قلم و کاغذ است اینطور نیست بکنفر طبیب تمام عمر و ثروتش را روی تحصیل طب گذارده است قلم و مداد تنها سرمایه او نیست تمام هستی خود را در این راه صرف کرده‌است اگر بیک مرض يك نسخه مجانی بدهد مثل این است که يك قسمت از متاع خودش را مجانی باو داده است اینجا خواستم

از اطباء قدری دفاع کرده باشم اما راجع به مدارس قدیمه بنده کاملاً با آقای مدرس هم عقیده هستم و دلایل این است که حتی در مسافرت اخیری که بکر بلا مشرف شدم همین عقیده را به آقایانی که در آنجا بودند عرض کردم که خوب است شاگردان مدارس عتیق هم علوم جدید را تحصیل کنند که بعد از اتمام تحصیلاتشان علوم جدید را هم دارا باشند لهذا میتوانم مرضی صکنم در این باب هم با ایشان هم عقیده هستم

**رئیس** - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی (اجازه نطق)

**آقای میرزا ابراهیم قمی** - بنده هم معتقدم که یکی از بزرگترین کارها در وزارت معارف تأسیس يك دارالترجمه است که ضمیمه بکنیم باو يك آکادمی را برای وضع لغات و تفسیر زبان خارجه بفارسی چنانکه در زمان دولت عباسی که تمام علوم را از حکمت و فلسفه بزبان عربی ترجمه کرده و آن ترقیات معجزالعقول را کردند بنده هم معتقدم که آقای وزیر معارف يك توجه خاصی در این موضوع فرمایند

**وزیر معارف** - دارالترجمه در نظر گرفته شده است

**رئیس** - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

**سردار معظم** - مطالب در این ماده زیادتر از آنچه که لازم بود گفته شد و در باب معارف تمام اصلاحات ممکنه و توسعه معارف چه از طرف متخصصین و چه از طرف غیر متخصصین شرح داده شده و بنده دیگر داخل این مطلب نمیشوم و بنده تأسیس مدارس را در قراء و تأسیس آکادمی را لازم میدانم زیرا تا کنون وزارت معارف موفق نشده است که پولی تهیه نموده و رفع تعطیل مدارس را بنماید توقعات بنده خیلی ناقابل است و چون بنده افتخار عضویت يك جمعیتی را که در مجلس هستند دارم لذا همان سه ماده که در پروگرام ما درج شده در اینجا عرض می‌کنم که دولت در موقع تهیه لوازم راجع به معارف در نظر داشته باشد ما اول قومی که لازم میدانیم برای مدارس برداشته شود این است که يك قسمت کافی از عایدات مملکت را برای تأسیس مدارس ابتدائی و متوسطه تخصیص دهیم فعلاً توقع تأسیس مدارس عالیه نداریم فقط می‌خواهیم چند مدرسه ابتدائی و متوسطه در شهرها تأسیس کند ولی آتی آن مدارس را تأمین نماید یعنی يك قسمت از عایدات مملکت را برای مصارف آن مدارس تخصیص دهند و يك قسمت دیگری را که فعلاً لازم می‌دانم و تصور می‌کنم از سایر مسائل مهمتر است اهرام يك عده شاگرد است بخارجه برای تکمیل تحصیلات و این مسئله در اینجا ذکر نشده است ما لازم می‌دانیم پس از اینکه شاگردان ما در اینجا تکمیل و فارغ التحصیل شدند همه ساله يك عده برای تکمیل تحصیلات با اروپا فرستاده شود همچنین برای اصلاحات مدارس همانطور که گفته شد برای ادارات باید متخصصین و معلمین فنی استخدام نمود همینطور برای مدارس لازم است و وزارت معارف باید در نظر داشته باشد باید و البته در این ضمن تأسیس يك دارالمعلمین هم لازم



است قدم کوچک دیگری که باید برداشت اصلاح پروگرام و ربط تعصبات معارف است با یکدیگر و مابین پروگرام مدارس متوسطه و ابتدائی باید یک رابطه خیلی مانوس موجود باشد و اگر دولت این نظریه ما را در ضمن تهیه لوائح راجع با اصلاحات معارف تأمین کند ما دیگر توقعی نداریم.

رئیس - آقایان مذاکرات را در ماده پنجم کافی می دانند.

(اغلب گفتند کافی است)

رئیس - ماده ششم مطرح است آقای کن الملک (اجازه)

رکن الملک - این مسئله مسلم است که عدلیه های ما چه در مرکز و چه در ولایات نواقص زیادی دارد که باید اصلاح شود ولی بچه نحو و چه طور باید این کار را انجام داد در خصوص اصلاحات عدلیه عقاید مختلف است بعضی ها تصور میکنند که باید قضاوت و اصضای عدلیه را تغییر بدیم و تصور میکنند با تغییر قضاوت امور وزارت عدلیه اصلاح خواهد شد جمعی هم معتقدند که قضاة را باید امتحان کنند که سابقه علمی قضاة معین شود جماعتی هم عقیده دارند که توانین موضوعه عدلیه نواقصی دارد که با رفع آن نواقص عدلیه اصلاح میشود و گویا نظر دولت هم همین است که در ماده ششم مرقوم فرموده اند اصلاح قوانین عدلیه بنده تصور میکنم که هیچکدام از این ها عدلیه را اصلاح نمیکند زیرا از روی تجربه مسلم قدم است که در ظرف این مدت در تغییر اشخاص علاوه بر اینکه اصلاحاتی نشده در امور هم اشکالاتی وارد آورده و همینطور در انتخابات قضاة و اعضاء اما در خصوص نواقصی که برای قانون فرض میکنند بنده تصور میکنم آن قوانینی که بتصویب کمیسیون عدلیه رسیده است چندان نواقصی نداشته باشد و تصور می کنم با مختصر جرح و تعدیلی اصلاح شود ولی در صورتی که آن قوانین بموقع اجرا گذاشته نمیشود چه اثری بر آن مترتب خواهد بود؟ بنابراین عقیده شخص بنده با تجربیاتی که در این مدت استخدام عدلیه حاصل کرده ام این است که تصور میکنم علاج منحصر بفرد اصلاح عدلیه در اجرای قوانین است و مسلماً اگر در اجرای قوانین موضوعه توجه شود ممکن است هم اعضاء نالایق بحکم آن قانون خارج و هم اعضاء امتحان شده وارد و هم رفع نواقص بشود مثلاً قانونی اختیاراتی با اداره امور عدلیه داده است که گمان میکنم با اعمال همان اختیارات معایب عدلیه بر طرف شود اما در خصوص روابط مابین معاکم عدلیه و محاضر شرعیه نواقص زیادی است و تصور میکنم باید موافق قانون اصول تشکیلات آن نواقص هم رفع شود و مادام که آن نواقص رفع نشده است این شکایات همیشه در کار است این بود قسمتی از اعتراض بنده راجع به اصلاحات قضائی و چون نخوابم اوقات آقایان نمایندگان را ضایع کرده باشم بطور اختصار عرض کردم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق) حاج شیخ اسدالله - در مواد سابق پروگرام

مذاکرات بقدری زیاد شده است که بنده مجبورم ریاض خودم را با اینکه راجع با اصلاحات عدلیه مفصل است مختصر کنم دولت در این پروگرام نسبت به عدلیه آن بسطی را که باید بنده نموده است قوه قضائیه را در این پروگرام خیلی کوچک کرده است در حالیکه قوه قضائیه يك قسمت از اساس اصلاحات مملکت است زیرا تمام اموال و نفوس و اعراض خلق در دست قوه قضائیه است اصلاح قوه قضائیه خیلی اهمیت دارد و دولت چه در مقدمه پروگرام و چه در موادش به اصلاح قوانین قضائی قناعت کرده است و بنده تصور میکنم این کافی نباشد؛ برای اصلاح قوه قضائیه سابقاً با آقای وزیر عدلیه مذاکره شده و خود ایشان هم در يك قسمت از ریاض بنده موافقت دارند البته این قوانینی که فعلاً در دست است بعضی اصلاحات دارد و به اصلاحات اساسی که بگوئیم این قانون ناقص است ولی در موقع عمل راجع ببعضی از مواد این قانون معاکم، محظورات برمیخورند این است که اصلاحاتی که باید در این قانون بشود اصلاحات اساسی نیست و اصلاحات جزئی است که اگر بکمیسیون آمد عرض میکنم ولی قانون عدلیه کم است نه اینکه ناقص است قانون چرا که اساس مجازات است نداریم يك قانون جزائی عرفی پیشنهاد شده است که بموقع اجرا گذاشته شود و گمان میکنم خود حضرت والا تصدیق بفرمایند که این قانون در این مملکت ممکن نیست اجرا شود بعضی از موادش که اصلاً قابل اجرا نیست و بعضی از مواد آن هم مخالف با شرع است و مطابق قانون اساسی باید آنها را تغییر داد بعضی از مواد آن هم قابل اجراست که الان معاکم جزا شروع با اجرای همان مواد کرده اند اصلاح عدلیه راجع به اصلاح قانون نیست يك قسمت از اصلاحات عدلیه راجع با اجرای قانون است همین قانون موضوعه که امروز در دست حاکم است (ولولایکه میگویند ناقص است) اگر کاملاً بموقع اجرا گذارده شود این همه شکایات از قوه قضائیه و معاکم تولید نمیشود این قانون به بوجه اجرا نشده نه معاکم بر تکلیف خود عمل میکنند و نه وزرای عدلیه به مقام اجرای قانون بر آمده اند حالا دلایل چه بود و معاکم چرا عمل نمیکند آن را هم در موقع خودش عرض می کنم يك روز يك وزیر روی کار آمد و برخلاف صریح بعضی از مواد قانون يك ابلاغی صادر کرده است و يك قوانینی وضع نموده است و بقدری از این ابلاغات در وزارت عدلیه صادر شد که همه معارض با یکدیگر بود برای اینکه هر وزیری آمد يك ابلاغی صادر کرد و دیگری خلاف او را صادر نمود تا در زمان شاهزاده نصرت الدوله منصور السلطنه این ابلاغات را جمع کرد و هر کدام مخالف یکدیگر بود لغو کرد با این وضع که هر وزیری در عدلیه بیاید و اینقدر ابلاغ صادر شود و آن را قانون قرار دهد البته قانون اصلی از بین می رود البته قانون عدلیه اگر اجرا شده بود بقدری از عدلیه شکایات نمی شد مثلاً یکی از شکایاتی که می شود راجع بطول جریان معاکم است و اگر وزیر وقت اجرای قانون را تعقیب کند این قانون سرعت معاکم را دستور

داده زیرا قانون میگوید که مدعی باید تمام مدارکش را بعداً بفرستد و مدعی علیه هم تمام دفاعیاتش را بمحکمه بیاورد در این صورت يك جلسه معاکم میکنند تمام میشود اگر در يك جلسه تمام نشد جلسه دوم باید تمام کند و الا جلسه سوم حتماً باید تمام شود جلسه معاکم را قانون يك جلسه معین کرده ولی معاکم جلسه معاکم را آنقدر توسعه می دهند که يك معاکم يكسال دو سال سه سال طول میکشد خلاصه مسئله معاکم يك درد بی درمانی شده است که تمام مردم در زحمت هستند و پس از ختم معاکم قانون میگوید باید رأی بدهند محکمه این کار را نمیکند و رأی نمیدهند وقتی که معاکم را تمام می کنند در سه بدفتر میرود و پس از مدتی دوسه مفقود می شود آنوقت يكسال یا دو سال طول می کشد و متداعین خسته شده و عاجز میشوند بنده نمیگویم قضاوت بد هستند کارها بقسی شده است که هر کس برود در آنجا در میماند عدلیه باید اصلاح شود دولت وقت باید با اصلاح آن اقدام کند اصلاح عدلیه اولاً از راه اجرای قانون ممکن است ثانیاً از راه دادن اختیارات بقضاة قاضی باید از تعرض معصوم باشد دخول و خروج قضاوت باید در تحت يك اساس باشد اساس وزارت عدلیه بر روی قانون امتحان است باید اشخاص را مطابق نظامنامه امتحان کنند و وقتی که از امتحان گذشت مطابق تصدیق کمیسیون امتحان باو کار بدهند ولی بدبختانه چند دفعه اعلان کردند و يك اشخاص هم امتحان دادند ولی پس از چند روز دیدم اشخاصی که امتحان دادند بحال بلانکیفی ماندند و اشخاصی که امتحان ندادند بواسطه توصیه ها و فشارها و يك چیزهایی که بوزیر وقت میشد یا اگر جسارت نکرده باشم بواسطه يك نظریات خصوصی که وزیر وقت داشت داخل در کار می شدند مثلاً منشی محکمه که تقریر نویس است بیچاره خط ندارد آنوقت او را بتوصیه تقریر نویس کرده اند دوسه که نوشته میشود وقتی که بآن رجوع میکنند نمیشود خوانده سطرهای ده غلط املائی دارد چرا؟ برای اینکه از روی اساس امتحان او را وارد نکرده اند یکی هم مسئله خروج است یعنی همانطور که باید ورود از روی اساس باشد خروج هم باید از روی اساس باشد اینک هر وزیری در تحت عنوان قانون معافیت هر کس را بخواهد از خدمت خارج کند این است که مقام قضاة محفوظ نمی ماند و هیچ قاضی با این قانون معافیت که در عدلیه معمول شده مقامش مأمون نیست زیرا مطابق قانون معافیت مقام او هر ساعت متزلزل است اینطور قاضی چگونه می تواند در موقع معاکم که وزیر يك نظر خصوصی داشته باشد ملاحظه نکند و حکم بدهد البته مجبور است زیرا مقامش متزلزل است در صورتی که قانون اساسی مقام قاضی را مصون دانسته و بدون تقصیر قاضی را نباید تغییر بدهند و عزل کنند یکی از چیزهایی که لازم است مجازات است مشاور عالی و تمیین مجازات هم هست ولی اسم است رسم نیست مثلاً وظیفه اداره امور نظارت و رسیدگی بمعاملات قضاة است (حالا بنده نسبت با اساس اداره امور نظریاتی دارم که مدعی العدم استیناف میتوانم تمام وظایف اداره امور را انجام دهد این يك مسئله دیگری است که در

موقع خود در کمیسیون عرض خواهم کرد) مثلاً در عدلیه راپورتی جمع شده که باید به مشاوره عالی برود چون اختیار تمیین مشاوره عالی با وزیر است همه همین طور بی ترتیب ماند ولی وقتیکه بمشاوره عالی رفت در آنجا اگر نسبت بیک شخص بدبخت فلک زده باشد محکوم بانفسال یا تنزل رتبه میشود و اگر يك اشخاصی هستند که مقامشان عالی است (دیگر جسارت بمشاوره عالی نمی کنم) مشاوره عالی رأی نخواهد داد منتهی تیرمه هم اگر نکنند همین قسم بلانکیف مینماید توقیف میشود این است که میگویم قانون عدلیه باید تکمیل شود و وزیر عدلیه آن قانون را بموقع اجرا گذارد و اشخاصی که در عدلیه آمده اند باید از آنها امتحانات علمی و عملی بنمایند و مطابق تصدیق با آنها کار بدهند و اشخاصی که لایق نیستند رد نمایند مثلاً يك چیزی که جز با ابلاغات اخیره شده این است که اشخاصی که از مدرسه سیاسی تصدیق دارند آنها را امتحان نمی نمایند و همچنین اشخاصی که از مدرسه حقوق تصدیق دارند اگر چه قانون تشکیلات عدلیه که از کمیسیون گذشته میگوید تا زمانیکه مدرسه حقوق تأسیس نشده این قانون امتحان باید مجری باشد و بعد از تأسیس مدرسه حقوق تصدیق آن مدرسه برای دخول در عدلیه کافی است ولی قانون شرح نمی دهد که آن مدرسه حقوق چگونه مدرسه باشد آیا باید مدرسه حقوق باشد یا يك مدرسه شبیه بکلاس اکابر باشد که يك نفر معلم از خارج خواسته باشیم و يك نفر فقیه هم در آنجا برود و اشخاص معینی که در ادارات هستند بعد از فراغت بروند آنجا و تحصیل کنند در شان چه چیز است؟ فقه شرایع و قوانین حقوقی مدونه در اروپا است از کجا؟ ناپلئون آن قوانین برای قضاوت مملکت کافی نیست قاضی باید اطلاع از قانون قضائی اسلامی داشته باشد قاضی باید قضاوتش در ایران کامل باشد و عالم در علم حقوق باشد که وقتی رأی میدهد حتماً قانون قضائی اسلامی را در نظر داشته باشد و مطابق آن قانون قضاوت کند.

اگر بقانونی که در اروپا معمول است قناعت کند و رأی دهد اگر در معاکم ابتدائی رأی دهد استیناف رد می کند در استیناف رأی دهد تمیز رد می کند.

پس این نمیشود اساس معاملات ما . اساس تجارت ما . مطابق قوانین شرع است اینست که در مدرسه حقوق رکن اول آن باید تحصیل فقه باشد تحصیل شرایع کافی نیست زیرا بسا مطالبی است که در شرایع نیست و در موقعی که قاضی بآن بر میخورد نمی داند چگونه باید برود از دیگری بی رسد پس يك قاضی که در محکمه نتواند يك تصمیمی اتخاذ کند و رأی بدهد نمی تواند قضاوت کند اینست که عرض میکنم باید وزیر عدلیه این نظریه را در مدرسه حقوق منظور داشته باشند.

پس سه چیز است که عدلیه را اصلاح میکند اول اصلاح و وضع قوانین دوم ورود در عدلیه از روی امتحان سوم خروج بواسطه معاکم که ورود

و خروج در دست وزیر نباشد نه در مرکز بلکه در تمام ولایات این اصل باید اتخاذ شود زیرا همین بی ترتیبی ها سبب شد که در موقع کابینه گذشته وقتی اعلان انحلال عدلیه را دادند مردم از این اقدام فوق العاده خوشوقت و مسرور شدند مردم از عملیات عدلیه آنقدر ناراضی و شاکی بودند که فقط در تمام عملیات آقا سیدضیاءالدین از چیزی که راضی بودند از انحلال عدلیه بود.

پس باید دولت باین سختی ها هر چه زود تر خاتمه دهد و تصور میکنم خود آقای وزیر عدلیه هم باینده در این نظریات موافق باشند.

رئیس - جمعی از آقایان بیرون تشریف برده اند و عده کافی نیست اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس شود بیرون که تشریف می برید ۱۲ نفر هم برای عضویت کمیسیون داخله انتخاب کنید در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید.

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده حق ندارم در موقع اصلاحات قوه قضائیه اظهار عقیده بکنم زیرا نه در وزارت عدلیه بوده ام نه با ادارات قضائیه تا حال سر و کاری داشته ام که در موقع عمل تمام رموزات عدلیه را بیاموزم و مطلع باشم ولی نوشتجاتی که از طرف مردم بنده رسیده می فهماند که شکایت عده مردم از طول مدت معاکم است و می گویند وقتی که کاری بمعدلیه رجوع می شود برای خاتمه آن عمر هادی کفایت نمی کند در صورتی که قوانین ما دو نوع معاکم را پیش بینی کرده معاکم اختصاری و معاکم عادی.

ولی بعقیده بعضی تأخیر معاکم اختصاری و بعقیده برخی برعکس بواسطه اینست که محاکمات اختصاری از بین رفته است و در هر صورت حکمیت آن با بنده نیست فقط چیزی که خواستم خاطر نشان هیئت دولت کنم این بود که چون مسائلی در پروگرام بطور کلی نوشته شده است در ضمن لوائی که بعد برای اصلاح عدلیه پیشنهاد میکنند در نظر داشته باشند که قسمت اعظم شکایات مردم از بطور جریان کار است و مادام که این علت را رفع نکنند هیچ نوع اصلاحی در عدلیه ممکن نیست زیرا فقط مردم خوب و بد را از نقطه نظر احتیاجات و منافع خودشان تلقی می کنند.

اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند عرض خود را چون آقای وزیر عدلیه تازه تشریف آورده اند تکرار کنم عرض کردم عمل شکایات مردم از طول معاکم است می گویند وقتی کاری بمعدلیه رجوع می شود عمر آن شخص کفایت نمی کند تا ببینند چه نتیجه برای او حاصل شده است آقای وزیر عدلیه در ضمن تهیه لوائح که برای اصلاحات در نظر دارند باید متوجه این نکته بشوند که قوانین طوری تدوین شود و معاکم بطاریقی تشکیل گردد که بالاخره تکلیف متداعین بزودی معین شود تا وقتی که ما يك مراکز رجوع نداشته باشیم که تکلیف مردم را معلوم کند مردم همیشه از عدلیه شکایت خواهند داشت همیشه تشکیلات

ما مورد عدم توجه و بلکه مردم ناراضی خواهند بود زیرا مردم ظلم سریع را بر بی تکلیفی مبتد ترجیح می دهند از این نقطه نظر بهتر اینست که آقای وزیر عدلیه این مسئله را در نظر داشته باشند و در ضمن تهیه لوائح این نکته را اصلاح کنند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) محمد هاشم میرزا - بنده مذاکرات را کافی می دانم و عقیده خودم را در موقعی که لوائح بمجلس تقدیم می شود عرض میکنم.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیرم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند. (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - معلومی شود کافی نیست آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده غالباً که اجازه می گیرم با موافق مصادف می شود که آقایان خیال می کنند مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایان چنین خیالی نکرده اند. آقا سید فاضل - خیال که کرده بودند.

رئیس - اکثریت چنان خیالی نکرده بود آقا سید فاضل - بلی چون در پروگرام حرف معلم و متخصص زیاد است و چون بنده خودم را معلم و متخصص در امور قضائیه اسلامی می دانم لازم دانستم مطالبی عرض کنم.

سابقاً معروف بود که از خانه قاضی يك نفر از متداعین خوشحال بر می گردد حالا طوری شده است که محکوم علیه و محکوله هر دو کمال انزجار و خستگی را از قوه قضائیه دارند.

بنده پاریس رفتم. آقای مشیرالدوله فرمودند که در دهلیز عدلیه پاریس دو نفر مجسمه نصب کرده اند که یکی مکشوف الایضاء است که محکوم علیه باشد و دیگری ساتر العوره است که محکوم له باشد جسارت نباشد در عدلیه ما هر دو بی ساتر هستند فلسفه قضائی آنچه بر حسب موازین اسلامی دیده شده است ملاحظه سرعت معاکمات و سرعت جریان معاکمات را کرده

بعضی فقراتی که جمله اش را عرض میکنم انما قضی بینکم بالبینات والایمان والبینة علی المدعی والبیین علی من انکر حاصل آنچه از کتب قضائی بدست می آید فقط قطع و فصل ماده نزاع است که متداعین راحت شوند بدبختانه وضع عدلیه عده اش همانطوری است که بعضی از آقایان اظهار کردند و فلسفه عیب عدلیه بطور جریان معاکم است و برخلاف فلسفه اسلامی در عدلیه ما معاکمات بطور بطور جاری است اگر چه بعضی از آقایان نمایندگان اظهار داشتند موادی که در پروگرام راجع بامور قضائی نوشته اند خیلی کم است لیکن بنده گمان میکنم این عبارت چون يك عبارت کلی است منتهی در حد کافی است و شامل اصلاح تمام امور قضائی می شود و امیدوارم انشاء الله دولت عطف توجهی با اصلاحات امور قضائی بفرمایند و لوائحش را حاضر نموده بمجلس بیاورند و در کمیسیون عدلیه هم اشخاص متخصص در فقه و سایر مطالب هستند ملاحظه



خواهند کرد و در تحت عنوان اصلاح امور قضائی بسیاری از کارها انجام خواهد گرفت در خانه خاطر هیئت دولت را متوجه میسازم که مردم بی اندازه از عدلیه متنفرند و هر جا که عدلیه نیست مردم خوشحالند بطوری که آن کابینه ملعون سیاه که همیشه وظیفه ملیون ایران است باوید بگویند بگیا که چیزی که اسلحه خودش فرار داده بود و نیشد با افکار عمومی مواجه شد فقط انجلا عدلیه بودی که مردم منجر بودند و انجلا عدلیه را برای خود یک عیدی تصور می نمودند و حتی الامکان هیئت محترم دولت باید در لایحه که پیشنهاد می کند متوجه باشند که قوانین قضائی اسلامی حفظ شود و من غیر از این شق را غلط می دانم.

**نصرت الدوله** - بنده تصمیم داشتم که بواسطه طول مذاکرات پروگرام در ماده ششم ولو اینکه انتظار میرفت از طرف بنده اظهاراتی بشود مداخله نکنم لکن بیاناتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بنده را مجبور بجوابهای مختصری می کند اولاً در ضمن اصلاحات عدلیه که موضوع بحث است همه معایب گفته می شود و گمان نمی کنم هیچکس منکر باشد که اداره عدلیه مثل تمام ادارات دیگر معایب دارد ولی بنده می خواهم عرض کنم که اگر معایب گفته می شود باید یک حق شناسی هم کرد. ما باید تصدیق کنیم که از بدو اصول تشکیل مشروطیت و در تمام مدهای متمادی که ما بدینخانه مجال نداشته ایم فقط یک وزارتخانه که صورت تشکیلات قانونی بخرد گرفته و یک قوانین مدونه دارد وزارت عدلیه است اینقدر حق شناسی باید بشود البته بنده تصدیق میکنم که این قوانین کامل نیستند لیکن همانطور که آقای آقا سید فاضل فرمودند و عقیده همه ماها است وقتی گفتیم این قوانین کافی نیست البته نقطه نظرمان قوانین اصلی عدلیه که قوانین شرع است نیست و در موقعی که مجلس شورای ملی برای اولین دفعه تشکیل شد و تشکیلات قضائی و عدلیه فعلی را در نظر گرفتند اینطور تصویب کردند که با تصدیق آقایان حجج اسلام طراز اولی که در مجلس بودند و خوشبختانه امروز هم از آن آقایان آقای مدرس بسمت و کالت در مجلس تشریف دارند و به وجود ایشان مقتضای قوانین برای عدلیه تدوین کنند و در نظر داشتند این قوانین که طرف احتیاج عموم هستند و باید در محاکمی اجرا شود که تمام قضات آن نمی توانند دارای مقام عالی اجتهاد و قضاوت شرعی باشند آن قوانین طوری باشند که درخور فهم عموم باشند و نیز در نظر داشتند که در این قوانین رعایت کشفیات و احتیاجات ارتباط مملکت ما با ممالک و ملل دیگر بعمل آید آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند قوانین موجوده باید تکمیل شود با این نظریه کاملاً موافقم و قوانین مدتی است هملاً بجزایران افتاده و نواقص آن در ضمن عملیات روشن شده امروز وزارت عدلیه بخوبی می تواند اصلاحات مفیده پیشنهاد کند و بکمیسیون عدلیه بیاورد تا این قوانین بخوبی تکمیل شود بعد فرمودند یک قوانین ناقص دیگری هست و در این جا نیز ذکر از قانون جزای عرفی کردند و از بنده استظهار کردند چون من پیشنهاد کننده این قانون بودم باین جهت

چند کلمه بطور اختصار عرض می کنم بنده قبل از دوره فترت در موقعی که مجلس سوم افتتاح شده بود بسمت کفالت عدلیه در مجلس معرفی شدم و بعد بسمت معاونت در کابینه آقای مشیرالدوله یک لایحه راجع بقانون جزای عرفی نوشته شده بود و آن لایحه را خود من در کمیسیون عدلیه مجلس آردم و در آنجا مشغول مذاکره شدم چون اختلافاتی تولید و حل آن دچار مشکلاتی بود بنده از آقای مدرس تقاضا کردم که این لایحه بموض این که از طرف دولت پیشنهاد مورد بحث باشد یک لایحه خودشان تهیه کنند که ما آن را مطرح بحث قرار دهیم و اگر نظریه ای داشته باشیم در روی زمینه آن لایحه مذاکره می کنیم آقای مدرس هم یک مواد خیلی مفیدی نوشته و بکمیسیون آوردند و در مواد آن هم بحث شد متأسفانه قبل از آنکه نتیجه اتخاذ شود وقایعی که خاطر همه مسیوق است پیش آمد بعد بنده در عدلیه مصادف شدم با یک صورت مشکوفاً غیر طبیعی قرائن این بود که در کمیسیون مجلس یک قانون تشکیلاتی تصویب و یک معاکمی هم بر طبق آن قانون تشکیل شده بود من جمله محکمه جزا و محکمه جنائی و یک قانون اصول محاکمات جزائی هم از کمیسیون مجلس گذشته بود و این قوانین هم برای اجرا شدن در دست ما بود ولی وضعیت غیر طبیعی این بود که آن قاضی که پشت میز نشسته بود و متداعیب یا نماینده پار که که عرض حال جزائی می دادند رفتار خود را منطبق با اصول محاکمات جزائی که از کمیسیون گذشته بود می خواند آنوقت در موقع معاکمه قاضی محکمه یک قانونی در دست نداشت که بر طبق آن حکم دهد متأسفانه اشخاصی هم که پشت میز نشسته بودند یک اشخاصی بودند که وزارت عدلیه می تواند تصور کند که آماده احکام شرع و آن طوری که باید باشند هستند برای این که وزارت عدلیه و مردم از این محظور خلاص شوند بنده فکر کردم لایحه قانون جزای عرفی را پیشنهاد و بطور موقت تا افتتاح مجلس اجرا شود و این اجرای موقت را هم از تشکیل مجلس این قانون باید صورت کامل صحیحی و باینکه تجربیات و یادداشت های مفیدی از عدلیه بمجلس پیشنهاد می شد آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند این قانون محتوی یک مواد غیر قابل اجرا است اگر در این سه چهار سال دوره عمر این قانون پیدا کرده یک موادی دیده شده باشد که قابل اجرا باشد اگر چه نمی دانم مقصودشان کدام ماده است ولی اینهم در موقعی که بکمیسیون می آید کمیسیون آن مواد را حذف می کند و این که فرمودند یک موادی هست که درست با موازین شرع مطابقت نمی کند عرض می کنم آقای مشیرالدوله در موقع تقدیم لایحه اولی و بنده در موقع تهیه این لایحه این مراعات را کردیم که این قوانین را در تحت نظریه اشخاصی که بصیرت کامل بقوانین شرعی ما دارند بگذاریم تا اگر یک مغالفت هائی بین این قانون و موازین شرعی باشد اصلاح شود ولیکن البته اگر یک همچو خبطی شده باشد باز اصلاح آن از وظایف کمیسیون عدلیه و مجلس شورای ملی است بنده قادر بر اظهار عقیده قطعی نیستم ولی آقایانی

این قانون را مطالعه کرده اند چنین عیوباتی که ذکر شد در آن ندیده اند و اگر چنین بود هیچ دولتی اقدام با اجرای موقت آن نمی نمود بهرحال گمان میکنم این اصلاحات مشکل نباشد زیرا حسن این قوانین همین است که با مقتضیات وقت قابل تغییر و اگر بواسطه تجربه نواقصی در آنها مشاهده شد قابل اصلاح هستند آقای حاج شیخ اسدالله اشاره بقانون دیگری کردند و آن قانون معافیت است اگر چه مستقیماً اظهار نکردند ولی ایرادشان راجع ببنده است بنا بر این چند کلمه در این باب توضیحاً عرض می کنم آقایان هیئت محترم دولت هم البته از تطویل مذاکره معذور خواهند فرمود آقای حاج اسدالله باید بدانند که این ترتیبات بواسطه نقصان قانون است البته تصدیق مینمائید وقتی که ترتیباتی اجرا شد قوانینی که بایستی این ترتیبات را بطرز صحیح و کامل معین بکنند کامل نباشد همیشه اجرا کننده این قوانین و اشخاصی که طرف اجرای این قوانین هستند دچار اشکالات میشوند مثلاً بتقلید قوانین قضائی اروپا قاضی را تغییر ناپذیر قائل شده برای این که مقام قضاوت تأمین شود بنده کاملاً موافق با این عقیده هستم که قاضی بایستی تغییر ناپذیر باشد ولی این مطلب در قانون اساسی تادرجه مبهم است و چون هنوز هم اجرای قوانین در این مملکت طولانی نیست و از طرز عمل باین قانون تجربه و سابقه پیدا نشده ناچار وزارت عدلیه در اجرای این ماده دچار اشکالات میشد اولاً قاضی که تغییر ناپذیر است بایستی دارای شرایطی باشد که تا حال در اغلب از قضات ما شاید موجود نبوده

ثانیاً از این مسئله هم که صرف نظر کنیم باید دید آیا خود قاضی تغییر ناپذیر است یا معالی هم که قاضی اشتغال می کند تغییر ناپذیر است ما در عدلیه همیشه مصادف بودیم با این عقیده که یک قاضی هدین که رئیس یک محکمه شد دیگر هیچ قدرتی حق ندارد او را از این صندلی بلند کند و اگر رای مجلد دیگری وجودش لازم می شد و یا می خواستند او را برای ریاست محاکم یکی از ولایات بفرستند ابدأ حاضر برای رفتن نمیشد و می گفتند وزارت عدلیه نسبت بانها اقتداراتی ندارد و نمی تواند آنها را مجبور به تغییر مکان نماید این قانون معافیت موقتی که نوشته شده ماخوذاً قوانین اروپا است و هیچ دلیلی نداشت که ما قوانین دیگر خود را از آنها اخذ کرده بودیم این قانون را که با اصطلاح اروپائی ها میزان دیسپنی بلین است از آنها اخذ نمائیم بموجب این قانون وزیر عدلیه این اختیار را در حوزة وزارت خود دارد و میتواند رئیس محکمه و قاضی را بدون اینکه تصدیق کرده و محتاج به معاکمه باشد فقط بر حسب مقتضیات اداری و حکومتی موقتاً از خدمت معاف دارد و البته آنهم یک شرایطی دارد بنده تصدیق میکنم آقای حاج شیخ اسدالله حق دارند سوء ظن داشته باشند که اگر یک چنین حرفه بوزیر عدلیه بدهند شاید آن حرفه را آنطوری که باید بموقع استعمال نکرده و از آن سوء استفاده بکنند ولی اگر بخواهند اصل این قانون را تنقید نمایند و به بنده ایراد

کنند که چرا این قانون موقتی را پیشنهاد و اجرا کرده ام و اگر بخواهند بگویند دولت وزیر عدلیه باید از این قانون صرف نظر کند با اینکه تصدیق دارم که مقام قضاوت را باید تأمین کرد و بایستی مسئله تغییر ناپذیر بودن قضات را مستحکم داشت معیناً با مراعات یک شرایط و ترتیباتی من مقدم که بایستی قانون معافیت موقتی را همانطوریکه در ممالک متقدمه مرسوم است محفوظ داشت آقای حاج شیخ اسدالله یک رشته مذاکراتی راجع با ابلاغت وزارت عدلیه بیان کردند در این جا نیز برای اینکه مکرر نکرده باشم بطور مختصر عرض میکنم که صدور ابلاغت بواسطه نقصان بودن قوانین تازه بودن این قوانین و موجود نبودن یک سابقه هائی از طرز عمل باین قوانین بوده است صدور این ابلاغت حقیقه بمنزله وضع قانون نیست بلکه برای تأمین کردن طرز اجرای قانون ویا در بعضی مواقع برای تفسیر قسمت های مهم قانون بوده است همین طور که خود ایشان متذکر شدند در آن موقعی که بنده بسمت وزارت عدلیه منسوب شده تمام ابلاغت وزارت را جمع نمود و چون ضرو نقیضهائی در آن ها دیده میشد آنها را اصلاح و جرح و تعدیل کردم ولی باید این نکته را متذکر بود که بایستی این قدر هم مزاحم این ابلاغت شد تا موقعی که روی دیگری که اساس آن بر روی طول مدت اجرا نباشد تا موقعی که یک اصول دیگری در طرز اجرای قوانین تعیین نشده این ابلاغت وزارت چندان ضروری ندارد ولی البته باید وزیر عدلیه که نسبت بآن ها حاکمیت تام دارد خیلی دقیق باشد که هیچ قسمتی از آنها بقوانین موضوعه مخالفت نداشته باشد حالا که مجلس تشکیل شده است کمیسیون عدلیه می تواند قوانین سابقه را که قدری مبهم است روشن نماید آن ابلاغت که راجع به تفسیرات و توضیحات قوانین بوده لغو و زائل بشاید و این مطلب را البته باید آقای وزیر عدلیه در نظر گرفته و گمان میکنم این مطلب را بخوبی بتوانند حل نمایند اما راجع بطول مدت معاکمه گمان نمیکنم منکری داشته باشد بطور جریان یک دردی است واضح و آشکار و هیچ محل اختلاف نیست و شاید هم آقایان تصدیق نمایند منتهی شاید اختلاف در عمل آن باشد اشخاصی که در عدلیه بوده اند و ممارست در اجرای قوانین در محاکم عدلیه نموده اند شاید عللی برای بطور جریان معاکمه دیده باشند که کاملاً با عللی که در خارج گفته می شود مطابقت نمایند ولی این علل هر چه باشد البته تفاوتی در اصل موضوع حاصل نمیشود و عدم رضایت از عدلیه و از قوانین و از قضاة عدلیه و از واضعین قوانین هیچ جای انکار نیست و باید بهر نحوی که هست جلو گیری کرد در این باب عرایض خاصی دارم که در کمیسیون عدلیه (اگر چه بواسطه متعدد بودن از حضویت آن استعفا داده ام) شخصاً حاضر شده عرایضم را عرض خواهم کرد ولی در این جا مختصراً عرض میکنم که این بطور جریان و معایب دیگر بواسطه نداشتن قاضی است تصدیق مینمائید همین طور که مکرر این چند روزه گفته شد برای هر

کاری متخصص لازم است سابقاً هم گفته میشد در این مملکت در امور دولتی قائل بوجود متخصص نیستند و به هر کس هر کار دولتی رجوع شود میگویند در این کار متخصص ممکن است این مسئله در قسمت های دیگر اجرا شود ولی در قسمت امور قضائی البته این طور نیست قاضی خوب باید دارای دو چیز باشد یکی دیانت اخلاقی دیگری علم قضاوت البته اگر کسی دارای این دو خصالت نباشد از را نمی توان قاضی گفت. قاضی باید علاوه بر این دو صفت تجربه قضاوت را هم دارا باشد و این اصولی که قبل از مشروطیت معمول به مانوده است آشنائی نام پیدا کنند این اصول معاکماتی که در کمیسیون عدلیه گذشته (و اگر اشتباه نکرده باشم حاری سید و شصت و چند ماده است) با اندازه بچیده و مطول است که حقیقتاً برای بصیر شدن در طرز اجرای این مواد مدت میدیدی عمر لازم است پس باید تصدیق کرد که بطور جریان محاکمه بواسطه نبودن قضات کامل است اگر آقایان رفته باشند بمعاکم و طرز معاکمه را دیده باشند (خصوصاً آقایانی که اطلاع به طرز معاکمه کردن قضاة خارجی داشته باشند) تصدیق خواهند کرد که چرا در اینجا معاکمه طول می کشد مخصوصاً بقول آقای مشیرالدوله که فرمودند تقریر نویسان محکمه که باید مطابق قانون تمام مذاکرات آو کوا تمام مذاکرات متداعیب را بنویسد حتی بقدر تند نویسان خودمان که اینقدر بانها ابراد میکنیم نیستند و خیلی دورند که باین اندازه هم تند نویس شوند باین جهت و کبل حقوقی کلمه بکلمه شمرده و روشن حرف میزند مثل اینکه دیکته میگوید و تقریر نویس هم کلمه بکلمه می نویسد معلوم است با این ترتیب و خصوصاً با این که اغلب و کلای ما صرفه خود را در طول معاکمه میدانند چه انتظاری باید داشت البته این نظریه را بتمام و کلای حقوقی نسبت نمیدم زیرا در ضمن و کلای حقوقی ما البته اشخاصی هستند که مثل بهترین و کلای اروپا میباشد اما دیگران هم هستند که بواسطه جهالت ویا بواسطه عدم لیاقتشان محکمه را بی اندازه طول میدهند و خیلی میل دارم آقای وزیر عدلیه در این باب بیشتر دقت نمایند و جاو گیری کنند از اقدامات آتیهائی که خیلی میل دارند از طول معاکمه استفاده کنند و همین جهت بعنوان مختلف معاکمه را از یک جلسه بجلسه دیگر که بیست و یاسی روز دیگر تشکیل میشود می اندازند و نتیجه این میشود که متداعیبین بیچاره یکسال دو سال سه سال معطل میشوند عرض از ذکر مختصر این بود که دانسته شود قسمت عمده بطور جریان بواسطه نواقص کار است و رفع این نواقص تدریجی الحصول است و نمیشود آن را بصرف وضع قانون رفع نمود شما هر قدر در کمیسیون عدلیه و وزارت عدلیه و بمجلس شورای ملی قوانین پیشنهاد و وضع کنید یک قاضی کامل نمی تواند داشته باشید قاضی علاوه بر تحصیل مدتی عمل برای او لازم است ملاحظه کنید الان در وزارت عدلیه بواسطه این طول مدت و محظوظ ماندن این اصول یک عده از قضات پیدا شده اند که حقیقتاً آنها موجب افتخار هیئت قضائیه هستند و بایستی نسبت بانها قدرشاس باشم و البته برور ایام این نوع اشخاص زیاد خواهد شد در این

موقع لازم است راجع بمدرسه داخل مذاکراتی شوم وقتی تصدیق فرمودید که برای قاضی تحصیل لازم است و موقتی که تصدیق کردید برای تشکیلات جدید ما که کمیسیون های عدلیه سابق تصدیق کرده اند قاضی های مطابق این تشکیلات لازم است و موقتی که یکی از اصول سیاست خارجی ماویکی از آمال و آرزوهای ملی ما افتخار کابینتولاسیون است ما باید یک قاضی هائی برای این مملکت تهیه و تربیت کنیم که دارای هر دو جنبه باشند یعنی اول جنبه قضاوت شرعی دوم تحصیلات جدید که آشنائی کامل بتجربیات قضائی اروپائی تا از آنها بشود استفاده نمود برای این کار در نظر گرفته شده بود که یک مدرسه تأسیس شود اگر چه این مسئله مربوط باین ماده نیست ولی چون آقای تدین در ماده مربوطه بمعارف این مدرسه را تادرجه تنقید کردند (اگر چه بیشتر نظرشان به تکمیل مدرسه سیاسی بود) لذا عرض می کنم سابق در مدرسه سیاسی حقوق مدنی اروپائی و حقوق بین الملل و اصول علم مالیه و علم اقتصاد و اصول ادارای تدریس می شد ولی چون این مدرسه مدرسه ابتدائی و متوسطه و عالی بود بالنتیجه بواسطه این احتیاط مدرسه ناقص میشد در صورتیکه از بدو امر که این مدرسه تأسیس شده کلیه نظر مؤسین این بود که این مدرسه یک مدرسه متوسطه و عالی باشد و در ضمن یک دروس حقوق بین الملل و تاریخ دیپلماسی و بعضی از مسائل حقوقی هم گفته شود تا برای وزارت خارجه تهیه اجزائی بنماید و چنانکه مامی بنیم حقیقتاً یک عده جوانهای ما خیلی خوب از این مدرسه بیرون آمدند و امروز هم آنها بهترین قسمت اجزای وزارت خارجه را تشکیل داده اند ولی چون بعد ها دیدیم این مدرسه تغییر وضع پیدا کرده و از آنجا شاگرد پنج شش ساله هم قبول و دروس ابتدائی نیز تدریس میشود (و ضمناً علم اصول معاکمات حقوقی و اصول مالیه نیز تدریس میشود لذا خواستم باهتلف توجه بکنم که آقای وزیر معارف فرمودند که ما مدرسه متوسطه حقیقتاً در تهران نداریم این مدرسه را یک مدرسه متوسطه بکنیم که در آنجا قسمتهای ادبیت و عربیت بیشتر تکمیل شود و نیز در دو سال آخر یک قسمتی از فلسفه اروپائی تدریس بشود زیرا ملسفه اروپائی برای تحصیلات حقوقی لازم است و در عوض یک مدرسه دیگری تأسیس کنیم مخصوص دروس حقوقی و برای آن مملدین از خارج تهیه کنیم تا اینها هم که از آن مدرسه فارغ الحصل می شوند محتاج به رفتن اروپا نشوند و گفتیم مدرسه سیاسی پله اول این مدرسه باشد یعنی شاگرد موقتی از مدرسه سیاسی دیپلم گرفت بموجب همان دیپلم بدون امتحان داخل مدرسه حقوق شود و پس از آنکه دوره سه ساله یا پنجساله آنجا را طی کرده و اصول قوانین شرعی و اروپائی را بطور کامل دید آنوقت با دیپلم این مدرسه داخل وزارت عدلیه شده و بسمت قضاوت عدلیه پذیرفته شود و از برای وزارت خارجه نیز تهیه اجرا شده باشد حالا از فراری که امروز تحقیق کردم این مدرسه در جریان است و یک دوره دو ساله را طی کرده و بیست و هشت نفر شاگرد فارغ التحصیل دو ساله دارد و البته این مدرسه فعلاً کامل نیست و بایستی کامل شود و نیز



تصدیق دارم که قسمت فقهی و قسمت اصول قوانین شرعی مفصل تر از این که تا حال گفته شده بایستی در این مدرسه تدریس شود بنده تصور میکنم برای اصلاح عدلیه و برای تهیه کردن قضاة خوب بایستی اساس این مدرسه تقویت شود و باید پروگرام این مدرسه را از حیث قوانین شرعی و اورویائی تکمیل بکنیم و باید کاری بکنیم که وقتی شاگردان این مدرسه فارغ-التحصیل می شوند بقدری خوب تحصیل کرده باشند که بشود بآنها اعتماد اطمینان داشت و کمتر احتیاج بخارجها داشته و ضمناً اشخاصی که در ادارات داخل میشوند از روی اصول اداری تهیه شده باشند اینک گفته شد این مدرسه کلاس اکابر است بنده تعقیق کرده و چون رفع این شبهه لازم است عرض میکنم که این مدرسه کلاس اکابر نیست زیرا در اصطلاح کلاس اکابر بدارسی میگوئیم که در آنجا برای ورود و خروج قیدی از حیث امتحان دادن و دیلم گرفتن موجود نباشد این مدرسه اینطور نیست این اشتباه از این جا ناشی شده که يك قسمت بعنوان مستمع آزاد در این مدرسه داخل و قبول شدند باید دانست که این قسمت خارج از شاگردان رسمی این مدرسه اند این ها بدون داشتن دیلم و گذشتن از امتحان داخل این مدرسه شده اند و اینها بعضی از اعضای وزارت خارجه و وزارت عدلیه و ادارات دیگر هستند که بعنوان مستمع آزاد فقط محض استفاده های علمی پذیرفته شده اند پس بایستی این اشتباه اگر از این جا ناشی شده رفع شود ولی نسبت به شاگردان مدرسه همان معامله که در تمام فاکولته های اروپا نسبت به شاگردان معمول است اجرا میشود این اشخاصی که برای تحقیقات عالی حقوق و فلسفه به آنجا میروند یا دیلم مدرسه سیاسی هستند و یا بواسطه امتحان خاصی پذیرفته شده اند چنانکه دوازده نفر از بیست و هشت نفر دیلم های امسال مدرسه حقوق فلادیلیم مدرسه سیاسی رادار بوده اند باز عرض نمیکند البته این مدرسه هنوز ناقص است ولی باید سعی کنیم تکمیل شود و برای اینکه آقای تدین فرض نکنند بنده منکر اصول مرکزیت هستم عرض میکنم هر وقت سادارای يك دارالفنون عالی صحیح کاملی شدیم که وزیر معارف چنانکه در ممالک دیگر مرسوم است رئیس کل آن دارالفنون شد در این صورت مدرسه حقوق راهم میشود گفت ضمیمه مدرسه دارالفنون باشد و اگر در موقع تاسیس ما آن را مستقل نموده ایم و در تحت نظر وزارت عدلیه قرار داده ایم برای این بوده است که بیشتر مورد توجه باشد علی الخصوص برای این بوده است که ریاست آن در عهده مسیورینی قسمت مستشاری و وزیر عدلیه رادار قرار داده شود و در این موقع از نقطه نظر قدر شناسی نمیخواهم عرض کنم که آقای مدرس چند روز قبل در ضمن اینکه از مستشاران و مستخدمین خارجی که خوب کار کرده بودند تمجید و از آنهائی که بد کار کرده بودند تندیب نمودند گویا اسم مسیورینی از نظرشان محو شده و در موقعی که اصل حقیقی مکافات را در پشت این تریبون خواستند معتقد شوند اسم مشارالیه را نبردند در صورتی که مسیورینی از اشخاصی است که در این مملکت خوب خدمت کرده و آقایان مشیرالدوله و

مدرس نیز تصدیق دارند که مسیورینی از نقطه نظر قانون تشکیلات عدلیه باین مملکت خدمت نموده و هیچ وقت هم اسباب دردسر برای وزراء دولت نبوده هیچ وقت اختیارات نخواستند هیچ وقت در امور قضائی ما مداخلاتی نکرده و بایستی هم بکنند زیرا من معتقدم فقط نقطه که محتاج به مستشار خارجی نیست همان معاکم قضائی است و البته در اجرای قضاوت ما به هیچ وجه خارجی نباید دخالت بکنند و مسیورینی در همان حدودی که همیشه مرامات کرده در یک مدت مدیدی برای تدوین قوانین برای عدلیه هستند لازم داریم مسیورینی از اشخاص صحیح العمل است باین لحاظ خود را مجبور میدانم که در این موقع این قدر شناسی را بکنم در خانه دو کلمه هم در جواب فرمایشات آقای شیخ اسدالله نسبت به محاکمات اداری در وزارت عدلیه و مجلس مشاوره عالی عرض میکنم که مجلس مشاوره علی الخصوص امروزه که بواسطه صلاحیت اعضائی که در آنجا عضویت دارند از برای وزارت عدلیه معتقدم است ایشان فرمودند یک راپورت هائی تهیه می شود و وزیر وقت این راپورتها را با مجلس مشاوره عالی میفرستد بنده میگویم هر روز برای این کار را کرده است خیلی بد کرده است راپورت وقتی تهیه شود قاضی وقتیکه تصدیق کرد البته باید به مجلس مشاوره عالی رجوع شود و بقیه مجلس مشاوره عالی هم وظیفه خود را بدرستی و بصحت و از روی اطلاع در عدلیه انجام داده و خواهد داد بنده تصور میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله از آن دوره که بنده وزیر عدلیه بودم شکایتی نداشته باشند زیرا در آن موقع بنده اغلب اوقات با اعضای مجلس مشاوره عالی برای رسیدگی راپورت های واصله زحمت میدادم و اغلب هم يك نتیجه خوبی از آنها گرفته میشد

**رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه نطق)**  
خواستم عرض کنم خاصه درسه ماده که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند البته اگر مجازات باشد قانون عدلیه بهر بیان میافتد و چیزی را که می بینیم آقایان نمایندگان مکرر میفرمایند تفرقه مردم است از عدلیه مرکز و ایالات و ولایات البته این تفرق از قانون نیست بواسطه اینکه در وضع قانون زحمتها کشیده شده که در مملکت يك قوه قضائیه تاسیس شود که در مقابل ملل عالم يك رسمیتی داشته باشد و جلوه مملکت هم بواسطه آن بوده باشد پس معلوم می شود عیبی که بر عدلیه عارض شده سبب تفرق ملت است حالا که هیئت محترم دولت ساهمی هستند داخل در اصلاحات در مملکت بشوند باید آن عیب را به بیند و علاج کنند بند می بینم در يك مملکتی غیر از طهران و کلای عدلیه طهران که بادیانت هستند از نقطه دیگر و کلی را معرفی می کردند که ملکی را به بلخی کترات میکند و بعد به عدلیه رفته بعد از دو ماه معاکم ملک زید را به عمل میدهد پس باید بیفهمند که این عیب از چیست و چه باید کرد که این عیب رفع شود یکی دیگر اینکه رئیس محکم که ماده قانون را بطور دلخواه خود مثل لاس تیک به طرف که میخواهد میکشد - محکم میدهد و منبطلور برای دیگری بطرز دیگر تفسیر نموده و حکم میکند در ولایات قانون برای فقیر و غنی فرق میکند رآن این است که در برابر فقیر

حکمی که صادر میشود زود اجرا میکنند و اگر يك نفر غنی محکوم شود اجرائش سالها میماند پس علت دراصل قانون نیست ولو اینکه تکمیل لازم است و ممکن است اگر بخواهند تجدید نظری میکنند چه شده که اجرای این قانون برای آن شخص معتد سالها باید در بونه اجمال بماند و برای شخص فقیر فوراً اجرا شده و خانه اش را خالی کنند و توی سری هم باو بزنند

**رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند (بعضی گفتند کافی است)**  
**رئیس - دو باره رای میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند بفرمایند بدهد نبلیلی قیام کردند**  
**رئیس - معلوم میشود کافی نیست - آقا سید یعقوب (اجازه نطق)**  
**آقای سید یعقوب -** بنده عرضم این است که ابداً در مجلس شورای ملی نباید صحبت از نخستین کابینه سید ضیاء بشود و اما مسئله دیگر که شاهزاده نصرت الدوله تمجید از مستشار عدلیه کردند اشخاصی که بعد بلیه رفته اند مطلع هستند فقط روزی ۲ ساعت بعد بلیه آمده بعد تشریف میبرند چیز دیگری بنده از ایشان ندیده ام و نیز از وزیر عدلیه مستدعی هستم کاری بکنند که سبب سرعت جریان احکام بشود مسئله راهم که میگویند قاضی باید تغییر بکنند و مأخوذ از قانون اروپائیها است اگر از احکام شرعی ما مطلع بودند این را نمی گفتند قاضی یا زنده دوازده شرط را باید دارا باشد که یکی از آن شروط ملکه عدالت است مسلم است بعد از آنکه دارای ملکه عدالت باشد دیگر ممکن نیست او را تغییر بدهند من از خود اشخاصی که وزارت عدلیه را دیده اند تصدیق میخواهم که آیا کسی را دیده اند که قریب العداله باشد من گمان میکنم نیست پس باید باده قانونی که قاضی را نباید تغییر داد نظری کرده و شرایطی بآن ضمیمه نمایند که قاضی هامة معتقد نباشند که نباید دست از صندلی خود بردارند.

**رئیس - آقای مدرس (اجازه)**  
**مدرس -** با آنکه نمیخواهم در موضوع پروگرام که زیاد طول کشیده مذاکره کنم ولیکن بدبختانه ملجاء میشود آقایانی که مذاکره فرمودند همه اهل خبره هستند ولی بدبختانه یا خوشبختانه ناچارم که واقعه را شرح دهم چند سال قبل که من بهر آن آمدم بعد از ۶ ماه خواستند وزیر برای عدلیه معین کنند بنده که معرفت کاملی نداشتم پرسیدم کسی که بادیانت و برای اینکار مناسب باشد کیست؟ گفتند آقای مشیر-الدوله ولی ایشان قبول نمیکنند بنده يك شبی که بازان هم میآید بزم منزل ایشان حرکت کردم چون کوچها گل و اسباب زحمت بود کفش هایم را از پایم بیرون آورده و رفتم وقتی خدمت ایشان رسیدم عرض کردم چرا قبول نمیکنید فرمودند عدلیه که قانون ندارد وزارتش معنی ندارد تصدیق کردم و ایشان عرض کردند ممکن است ان شاء الله که در هر چند ماهی قانونی ترتیب داده شود

و با اینکه شاید از امثال من استفاده میفرمودند استعدا کردم قبول بفرمایند در عرض سه چهار ماه قانونی نوشته شود فرمودند اگر قانونی نوشته شود باشکالات و محظورات بر میخورد عرض کردم بنده چندماه بیشتر نیست بهر آن آمده ام ولی بشما قول میدهم قانونی نوشته بشود که تمام ملل و ممالکی که در دنیا هست میتوانند ایراد کنند عالی اسلام هم ایراد بکنند ولی از طرف مغربین طهران قول نمیدهم بالاخره ایشان تشریف آوردند بعضی از آقایان هم در کمیسیون عدلیه بروند ۷-۸ ماه در این مسئله زحمت کشیدند حتی شها در منزل بنده و در منزل خودشان هم مشغول بودیم تا قانونی نوشتیم بنده عرض میکنم دو فقره قانون نوشته شده است که یکی همین قانون محاکمات حقوقی است و دیگری قانون اوقاف انشاء الله آقای مشیرالدوله عمر طبیعی خواهند کرد ولی خود من گمان نمیکنم عمر کفایت کند و یقین دارم تا زنده ام اینطور قانون نخرام دید و بقیه مثل این دو قانون نایست سال دیگر هم از مجلس نخواهد گذشت راجع به مسئله قضاوت و حکومت قانون اساسی بما فرموده مرجع نظامات عمومی وزارت عدلیه است در این سیاست جدید دو چیز باید محفوظ بماند یکی ماهیت مطالب یکی کیفیت جریان آن مطالب اما ماهیت مسائل حقوقی و جزائی همان است که در قانون اسلام هست و امکان ندارد بقدر يك خشخاش از آن کم و یا زیاد بشود اما راجع بکیفیت اجرای آنها وضعیات دنیا ما را متنبه کرد که کیفیات اجرا و طرز اداره باید بوضع سایر نقاط دنیا باشد که مردم بگویند ما هم داخل در تمدن شده ایم البته باید کیفیت جریان اداره را مثل سایر دنیا و بلکه اكمل کنیم در اسلام هم این ترتیبات بوده دفتر بوده دوسیه بوده حتی در زمان خلفاء ما نیز قاضی تغییر می کرده است قاضی جدید رجوع بدوسیه می کرده هم ثابت بوده و هم ضابط بوده هم شکایت از قاضی داشته اند ولی بدبختانه در زمان استبداد اولیای امور همیشه هنرشان این بود که با اهل علم بجنگند و قریب دوست سال باینطور تا زمان مشروطه این که نظر موافق شد این مطلب را هم بگویم که آقای نصرت الدوله وجودشان در کمیسیون عدلیه لازم است و باید از کمیسیونهای دیگر استفاده کنند و در کمیسیون عدلیه حاضر شوند و آقای مشیرالدوله هم باید این امر را مقدم بدانند برای اینکه اگر نظر ما اصلاح بامور قضائی باشد باید نظریات مختلفه در آنجا مرکزیت پیدا کند و اشخاصی که اهل خبره هستند در آن کمیسیون باشند آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله هم اگر کسی را سراغ دارند بفرمایند برای اینکه آنها از ترتیب قضائی اروپا مستعززند و ما هم از قواعد مذهبی خودمان چنانچه عرض کرده ام باید برای قوانین قضائی ما هیئتی را از قواعد مذهبی خودمان اخذ کنیم و کیفیت اجرائش را از قوانین کبیه عالم از آقایان سؤال میکنم که اگر شخص من یا آقای آقا میرزا طاهر و یک نفر دیگر مثل ما برویم بیاریس و در محکم ببنشینیم در موقع زنک هم حاضر شویم آیا يك معاکم يك پولی می توانیم بکنیم و همچنین اگر سه نفر قاضی آن مملکت که درجه دکتری داشته باشند بیایند در مملکت ما می توانند قضاوت کنند

خیر ۱ چرا؟ برای اینکه حقوق عمومی آن مملکت بدر این مملکت نمی خورد و همچنین با يك کتاب شرایع خواندن هم نمیشود قضاوت کرد ترتیبی را که ما با آقای مشیرالدوله اتخاذ کردیم برای این بود که امروز هر مجتهد عادل و قاضی که بکرسی قضاوت می نشینند از روی قانون و مطابق ترتیب اداری معاکم کنند اصافاً هم اگر افاض نفرمائید يك دوسالی هم که عدلیه در تحت نظر آقای مشیرالدوله بود خوشبختانه ترقی کرد میخواهم يك مثلی بزنم چهل سال قبل از این وقتیکه من بکمیت میرفتم هنوز چاپ بهر دو معنی در این مملکت باین فراوانی نبود يك قرآن خطی داشتم هر کلمه را که یاد نمی گرفتم آن کلمه را با يك می کردم عصر که نزد استاد میرفتم میخواستم نخوانم می گفتم این کلمه باك شده وزارت عدلیه وزارتخانه فنی است علم لازم دارد منشی و ثبات و ضابط حتی مأمور اجرای آنجا هم باید عالم باشند در قانون هم ملاحظه این نکته شده و صاحب منصبان اجرا باید امتحان بدهند و صاحب منصب اجرای وزارت خارجه بکار عدلیه نمیخورند ثباتی که کلمه با (ز) را با (ضاد) می نویسد بکار نمیخورد این وزارتخانه علم میخواهد ولی از آنجا که در این مملکت رسم است هر شغلی را بهر کس تکلیف کنند میگویند بلد نیستیم فیر از شغل وزارت (چون تا حال اتفاق نیفتاده است بکسی تکلیف وزارت کنند و بگویند بلد نیستیم) بهمین دلیل وزرائی که روی کار آمدند چون این قانونا ملتفت نمی شدند عیناً مثل کلمه قرآن من میشد هر روز چند کلمه آنرا قاضی توقیف می کردند و در روزنامه اعلان میکردند که این مواد موقوف الاجرا باشد و يك شرحی نوشته اسم آن را ابلاغ میگذاشتند و حال آنکه مفسرینش در طهران بودند خوب بود می آمدند از بنده یا از آقای مشیرالدوله می پرسیدند معنی این ماده چیست و هم چنین قانون باید حاکم باشد و وضع آن از وظایف مجلس شورای ملی است اگر امروز که مجلس هست يك قانونی محتاج باصلاح و شرح باشد البته باید بمجلس رجوع کنند نه اینکه هر جا را نمی فهمند خودشان تغییراتی داده و يك ماده اضافه کنند بنده نمیگویم این قانون تکمیل نشود ولی بشما قول میدهم این قانون تا بعال اجرا نشده البته اگر در دست اهلس باشد و در موقع اجرا بموانعی بر نخورد باید اصلاح شود و اما اینکه وزیر باید دارای يك اختیاراتی باشد عرض میکنم تمام زحمتها برای این است که وزیر اختیار نداشته باشد والا ما اینجا چکار می کردیم وزیر باید مجری قانون باشد آقای نصرت الدوله میگویند من چیزی می دانم بلی شاید بکنند هم می دانند ولی ابلاغت وزیر دیگر را ببینند که اگر يك ماده قانون را از او بپرسند بلد نیست چون نمی فهمند آنوقت ابلاغ صادر میکنند بعد از اینکه رجوع باین ابلاغت شد خواهید فهمید مطلب

همین طور است که عرض میکنم علاوه بر این بنده میگویم وزیر اگر هالم هم باشد در غیاب مجلس شورای ملی نباید خودش يك قانونی وضع کند همین کارها است که افتتاح مجلس شورای ملی را عقب انداخته می گویند ما مجلس نمیخواهیم ما خودمان قانون جزای عرفی وضع میکنیم اگر خودشانرا محتاج می دانستند در افتتاح مجلس شورای ملی سعی میکردند البته وقتی بنا باشد هر روزی ابلاغ صادر کند و قانون وضع کند دیگر مملکت مجلس شورای ملی نمیخواهد لذا بنده منکرم که وزیر هر چند عالم هم باشد دخالت در وضع قانون بکند ماهیت قانون هم باید بر جای خودش باقی باشد اگر تمام علوم اروپا را هم بیاوریم و بخواهیم قانون وضع کنیم محقق است زحمت بیهوده است و شباهت بقانون ما ندارد ماهیت قانون حقوقی و جزائی ما انشاء الله در کمیسیون مبرهن خواهد شد که یکی از آنها حفظ حماء است کسیکه بفلان شخص چند گلوله می زند و اسمش را تیرباران می گذارد هرگز نمیتواند منکرستکیاران شود اما در مسائل دیگر که فرمودند میخواهم عرض کنم که اشتباه نشود البته حفظ حقوق عمومی فیر از حقوق بین المللی است البته حقوق بین المللی راهم همه باید بدانیم خواهش می کنم نشخصی که مطلع هستند ترجمه کنند که تمام اطفال ما هم آن را بدانند ولی اصل مطلب این است که این مدرسه حقوق شما مدرسه نیست انشاء الله محصلین آنجا را هم در کمیسیون خواهیم خواست و می بینیم در این دوسال چه کردید چون قبلا این مطلب را فهمیده ام باینجهت عرض می کنم قضاوت این مملکت علم حقوق این مملکت را لازم دارد و برای اینکار استاد لازم است من منکر علم نیستم البته خیلی خوب است سایر علوم راهم بدانند نافع است علم هر چه و در هر کجا باشد برای هر کس بخواهد زندگی کند لازم است پس می خواهم عرض کنم رفع نواقص باین مطالبی که گفته شد نیست رفع نواقص باین است که اشخاص عالم حکه این قوانین را خوب بدانند و بتوانند عمل کنند باید انتخاب شوند یعنی از در امتحان علمی و اخلاقی وارد شوند و از در مجازات و محکومیت در مشاوره عالی خارج شوند اینک میگویند عالم حقوق در این مملکت نداریم چطور نداریم؟ بگویند نخواستیم داشته باشیم البته حالا که میخواهید داشته باشید عدلیه هم اصلاح نمیشود بنده می گویم قاضی باید عالم بحقوق عمومی مملکت و مجتهد باشد قانون اداری را هم بدانند و بقول اشخاص جدید در تحت دیسپلین اداری هم باشد آشنائی بوضع دنیا داشته باشد ولی جاهل که شد نمی تواند قضاوت کند هر دوسیه را جلو او بگذاریم می بینیم از سطر ارزش خطا میکند راهی را که باید راست برود کج می رود هر چه کج برود دوسیه ده ورق صد ورق بلکه هزار ورق میشود

موقی که ما با آقای مشیرالدوله این قانون را می نوشتیم ابداً احتمال نمیدادیم معاکم از سه جاسه بیشتر بشود حالا سه سال طول میدهند و هر چه کجتر بروند زیاد تر طول میکشد مسئله را هم که آقای نصرت الدوله راجع بمسیورینی فرمودند اگر چه بنده



نیخواهم داخل شخصیات بشوم و بمتخصصین هم مقدم و از مسیو پرنی هم خیلی متشکرم که ضرری بملکت ما نزدند ولی وقتی که تشریف آوردند دوره قوانین گذشته بود و ایشان فقط آن قوانین را امضاء کردند دیگر از ایشان کاری ندیده‌ام همین اندازه هم باید از ایشان ممنون بود که ضرری بهیچ جای مملکت وارد نیآورده‌اند و حال هم متخصص شده‌اند.

**رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)**

**حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم.**

**رئیس - آقای منتصر الملک (اجازه)**

**منتصر الملک -** راجع باصلاحات عدلیه از هر جهت مذاکرات شد و مقاصد و مآبیش را آقایان فرمودند فقط موضوع گفتگو راجع بمطالبی است که از برای حسن جریان معاکمات و اصلاحات عدلیه لازم است البته مطالبی را هیئت دولت در نظر گرفته اند و بوقوع پیشنهاد خواهند کرد ولی یک نکته را خواستم بعرض آقایان برسانم که بهترین وسیله برای جلوگیری از وقوع منازعات و مناقشات احداث این معایب و مقاصد است و آن این است که دولت یک اقدامی بفرمایند که اصلاحات و منازعات کمتر در مملکت واقع شود و آن وجود امنیت در مملکت و حفظ ارباب امهتار و اسناد است خواستم مسئله ثبت اسناد را متذکر بشوم و البته خاطر آقایان مستحضر است که در تمام دنیا یعنی اغلب نقاط این مسئله جاری است که کلیه معاملات خود را به ثبت دولتی می‌رسانند و همان اوراق اجاره و استیجاره و غیره را که به تمیر دولت می‌رسانند کاملاً معتبر است اگر هیئت محترم دولت قانون ثبت اسناد را تعقیب کنند و توسعه دهند که اگر یک مطلب در آن اداره بتمبر دولت برسد حتماً دولت خودش را مکلف باجرای آن بداند و طوری نباشد که یک دعای متوجه آن اسناد نشود و اگر اینطور شود البته از حدوث مشاجرات و منازعاتی که باعث زحمت دولت است جلوگیری خواهد شد.

**رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد کرده‌اند**

که مذاکرات کافی است یاخیر؟ دفعه سوم رای میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** مذاکرات در بقیه پروگرام میماند برای جلسه دیگر آقای مستشار السلطنه از آقای وزیر امور خارجه سؤالی دارند.

**مستشار السلطنه** روابط موجود بین دولت ایران و روسیه اجازه میدهد که این سؤال را از آقای وزیر خارجه بکنم راجع برعاری ایران ساکنین روسیه علی الخصوص تجار و بالاخص آنهاست که مجبور شده‌اند ترک مایملک و علاقه خودشان را کرده و مسافرت بایران نمایند میخواستم بدانم اقداماتی فرموده‌اند یاخیر؟

**وزیر امور خارجه -** در این مسائل با آقای ممتازالدوله که مأمور خارجه شده اند تعلیمات کافی داده شده است و همینقدر که وارد فقاز شدند راجع به همه این فقرات اقدامات خواهد شد.

**رئیس - آقای فهیم الملک از آقای رئیس الوزراء سؤالی دارند.**

**فهیم الملک -** از طرف آذربایجان مدتی است اخبار مختلفی می‌رسد و با علاقه‌مندی که مجلس از اول افتتاح بآذربایجان دارد که وکلای آنجا هر چه زودتر معین شوند و کمیسیون هم برای رسیدگی بانتخابات آنجا معین نموده‌اند معینان تا کنون اثری ظاهر نشده حتی دوسیه های انتخابات آنها هم هنوز نیامده خواستم ببینم اقداماتی راجع بانتخابات وکلای آذربایجان فرموده‌اند که زودتر حاضر شوید و آنها با ما و ما با آنها در خاتمه دادن اوضاع ناگوار آنجا که همه واقف هستند کمک کنیم واستدعا میکنم توضیح بفرمائید تا بحال چه اقدامی برای خواستن دوسیه‌ها کرد، اند و با وجود اینکه چهار ماه است مجلس هم تأکید کرده چه شده که هنوز دوسیه‌ها نرسیده در صورتی که واقعه انتخابات آذربایجان باید خیلی زودتر از این انجام گرفته باشد و ما نمی دانیم چه وقت موفق خواهیم شد که وکلای آذربایجان را در مجلس شورای ملی ببینیم و برای این قسمت از مملکت که همیشه دچار این همه مخاطرات است بتوانیم مدتی اوقات خودمان را صرف کنیم شاید آسایش برای اهالی آنجا فراهم شود.

**رئیس الوزراء -** جواب کتبی بعد عرض می‌کنم.

**رئیس -** شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

**سلیمان میرزا -** سؤالی از آقای رئیس الوزراء داشتم اگر حاضر نیستند به جلسه بعد می‌گذارم.

**رئیس -** راجع بهمین موضوع است

**سلیمان میرزا -** بلی مطلب دیگری راجع به همانجا.

**رئیس -** (خطاب به آقای رئیس الوزراء) برای جواب حاضر هستید

**رئیس الوزراء -** سؤالشان را بفرمایند

**سلیمان میرزا -** سؤال بنده راجع به آذربایجان بود مطلبی که مذاکره شد یکی راجع به انتخابات آذربایجان بود که بنده هم در کمیسیون تحقیق انتخاب آذربایجان عضو هستم یکی هم راجع بامنیت آنجا بود سؤال بنده راجع بقسمت دوم بود و میخواستم تحقیق کنم که این آذربایجان بلادیده تا کی باید گرفتار باشد و تا کی باید امیدوار بود که اهالی آذربایجان روی امنیت را ببینند متوقع هستم یک توضیحات کافی اگر ممکن است مرحمت کنند که معلوم شود این قسمت از مملکت ماناچه وقت دچار کشتار و خونریزی خواهد بود

**رئیس -** میماند برای جلسه دیگر

**رئیس الوزراء -** بلی بعد جواب عرض میکنم.

**رئیس -** آقای وزیر مالیه برای جواب آقای حاج شیخ اسدالله حاضر هستید

**وزیر مالیه -** سؤالی که پریشب آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند راجع بازدهام مردم در دکا کین

خیازی بود بعد از تحقیقات معلوم شد که چون تا اول عقرب قرار بودنان یکمن دوقران فروخته شود و در اول عقرب دوقران و یک عباسی بعضی از خبازها این طور در نظر گرفته بودند که این گندم را نگاهداشته بعد از عقرب که دولت به آن‌ها گندم را خرواری بیست و سه تومان می‌دهد بفروشد و فایده ببرند و چون ازدحام میشد از طرف ریاست وزراء عظام با اداره ارزاق حکم شده بود که روزی بیست خروار بر گندم مصرف شهر اضافه نمایند و گمان فرموده بودند این ازدحام از برای قلت گندم است در صورتیکه همان دویست و شصت خروار گندمیکه با نهاداده میشود برای ارزاق شهر کافی است که بالاخره معلوم شد بعضی از خبازها نظر باستفاده ایکه می‌خواستند بکنند یکمقداری از آن گندمها را نگاهداشته بودند که بعد از عقرب آنرا از قرار یکمن دوقران و یک عباسی بفروشد رای از این مسئله جلو گیری شد و بعد از این در دکا کین خیازی ازدحام نخواهد شد.

**حاج شیخ اسدالله -** این توضیحی که نسبت بخبازها دادند خیلی بموقع است ولی بنده در تعقیب سؤال خودم عرض میکنم اداره ارزاق با این همه طول و عرض و توسعه که پیدا کرده است با این همه مفتشین چگونه غفلت کرده‌اند و خبازان یک چنین عمل نامشروعی را مرتکب شده‌اند چه شده است که نه رای پورت داده‌اند و نه اداره خبازخانه در صدد تعقیب برآمده و مردم را اینطور دچار زحمت کردند که بنده مجبور شدم از یک وزیر محترمی در مجلس شورای ملی سؤال کنم.

**وزیر مالیه -** همه آقایان تصدیق میفرمایند که تا چند روز قبل وضع نان شهر خیلی خوب بود و هیچ ازدحامی هم نبود در این چند روز اخیر که قرار شد قیمت نان زیاد شود این ازدحام فراهم شد و اداره ارزاق هم موقعی که فهمید جلو گیری کرد بعد هم اقدام جلو گیری خواهد شد

**رئیس -** یاره مسائل داخلی است که باید بعرض مجلس برسد و تکلیف معلوم شود یکی راجع بانتخابات غاروفشانویه است چون نمیشود بشعبه رجوع کرد باید برود به یک کمیسیونی اگر آقایان موافق باشند به کمیسیونی که چند روز قبل از شعبات معین شده رجوع بشود (جمعی تصدیق نمودند)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی از عضویت آن کمیسیون استعفا داده‌اند شعبه ششم پس از ختم جلسه باید منعقد شود و یک نفر دیگر بجای ایشان انتخاب نمایند آقایانیکه برای کمیسیون نظام معین شده‌اند از این فرار است.

آقای امیرناصر - آقای غضنفرخان - آقای سردار معظم کردستانی - آقای سردار مخم - آقای سها السلطان - آقای آقاسید یعقوب کمیسیون معارف - آقای تدین - آقای محقق العلماء - آقای حائری زاده - آقای صدرالاسلام - آقای امین الشریعه - آقای شریعتمدار کرمانی .

کمیسیون داخله - آقای احتشام الدوله - آقای منتصر الملک - آقای عدل السلطنه - آقای مقبل السلطنه - آقای نصر دیوان - آقای آصف الممالک آقای بیان الدوله - آقای کازرونی این سه کمیسیون باید بعد از ختم جلسه منعقد شود و هیئت رئیسه خودشان را معین کنند و روز سه شنبه صبح رؤسای کمیسیونها تشریف بیاورند و ایام انعقاد جلسات خودشان را معین کنند.

**رئیس التجار -** کمیسیون داخله فرمودید ۱۲ نفر اینک اسم بردید ۸ نفر بود.

**رئیس -** هشت نفر اکثریت پیدا کرده‌اند . دستور جلسه آینده روز سه شنبه دوساعت بغروب اول شام در بقیه پروگرام هیئت دولت ثانیاً شور در قانون مالیه اگر وقت شد شور در معاهده دولتین ایران و چین آقایان مخالف نیستند؟ (اظهاری نشد)

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد

**جلسه ۴۳**

**صورت مشروح مذاکرات یوم ۳ شنبه**

**۲۳ صفر ۱۳۴۰**

مطابق دوم عقرب ۱۳۰۰

مجلس مقارن مغرب در تحت ریاست آقای موتمن - الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۱ صفر آقای تدین قرائت نمودند

**رئیس -** نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست **میرزا ابراهیم قهی -** بنده علاوه بر دار - الترحمه تأسیس اکادمی را هم معتقد بودم در صورت مجلس ذکر نشد

**رئیس -** دیگر اعتراضی نیست - اظهاری نشد صورت مجلس تصویب گردید دستور امشب :

اولاً بحث در بقیه مواد پروگرام هیئت محترم دولت ثانیاً بحث در ماده واحده راجع بتشکیلات مالیه است ولی قبل از وقت یاره مطالب است که باید بعرض آقایان محترم برسد چندی قبل که آقای ارباب کیخسرو اظهار کسالت کردند شغل مباشرت را قبول نمی نمودند بعد از آنکه جمعی از آقایان و کلاه ایشان را ملاقات و مذاکره نمودند بالاخره بمناسبت این که ایشان همیشه حاضر برای خدمت نسبت بمجلس هستند حاضر شده اند در شغل سابق خودشان موافق میل مجلس برقرار باشند و معلوم است هیئت رئیسه از این تصمیم ایشان کمال تشکر و امتنان را دارد و بنده بطور حتم می‌دانم مجلس شورای ملی نیز نسبت بایشان همین حقیقت را دارد (جمعی گفتند صحیح است) اعضای کمیسیونها هم بعضی کسر است که باید در موقع تنفس انتخاب شوند کمیسیون خارجه یک نفر کسر دارد که باید تعیین شود کمیسیون قوانین مالیه یک نفر کسر دارد و کمیسیون معارف هم دو نفر لازم دارد و چون آقایان مشیرالدوله و نصرت الدوله که برای کمیسیون عدلیه اخیر انتخاب شده‌اند بموجب نظامنامه در بیش از دو کمیسیون نمی توانند عضویت داشته باشند و در کمیسیون خارجه و کمیسیون بودجه عضویت دارند لهذا لازم است برای کمیسیون عدلیه دو نفر دیگر بجای ایشان انتخاب فرمایند حالا داخل در